یادداشت روز

میز منفجره در جنگ یمن

«جنگ تبدیل به یک ماجراجویی بزرگ برای عربستان شده است و نتیجه‌ای جز ویرانی برای یمن و شکست برای عربستان نخواهد داشت.» این جمعبندی چند روز پیش پایگاه تحلیلی خبری «المانیتور» از وضع جاری جنگ در یمن است کما اینکه رادیو سازمان سیا- فردا- دو روز پیش به نقل از فعالان حقوق بشـــری یمن گفت تاکنون ۲۳ هزار شهروند یمنی - طی ۸ ماه گذشته - بر اثر حملات ائتلاف غربی، کشته و مجروح شده‌اند در عین حال مجله «اشپیگل» هفته پیش طی تحلیلی نوشـــت در حالی که عربستان به دو هدف اعلام شده شامل بازپس‌گیری صنعا از انصارالله و بازگرداندن دولت منصور هادی به یمن نرسیده است ناگزیر به استفاده از نیروهای سودانی شده که پیش از این به دلیل ارتکاب جنایت جنگی در «دارفور» متهم بوده‌اند.

تصویر جنگ یمن در رســـانه‌های غربی و طبعا در میان مقامات غرب از ناامیدی آنان از پیروزی عربستان در جنگ حکایت می‌کند. اعمال فشار آمریکا و اروپا بر رژیم عربســـتان برای خروج از وضع فعلی و رسیدن به چارچوبی که در آن ضمن رفع نگرانی‌های غرب از قدرت گرفتن نیروهای انصارالله در یمن، به جنگ نظامی خاتمه دهد، نشان می‌دهد روند کنونی جنگ یمن به هیچ‌وجه مطلوب غربی‌ها و به خصوص آمریکایی‌ها نیست.

در این بین غرب و عربستان در تاکتیک دچار اختلاف‌نظر اساسی می‌باشند. عربستان معتقد است مذاکره با جنبش انصارالله در شرایطی که به اندازه کافی اقتدار دارد منجر به پذیرفتن فهرســـتی از خواسته‌های این گروه می‌شود که در رأس آن پایان یافتن جنگ و رفع محاصره خواهد بود و این در حالی است که اگر فشـــار جنگ و محاصره از روی مردم یمن و جنبش انصارالله برداشته شود و در عین حال سلاح در دست انصار باقی بماند به معنای بی‌نتیجه بودن کامل جنگ است عربستان به شدت از پذیرش آتش‌بس پیش از آنکه به یک نتیجه تا حدی قابل قبول برسد، اجتناب می‌کند. اما غرب و به خصوص آمریکا معتقد اســـت اگر قرار بود از طریق تهاجم نظامی، اتفاق قابل قبولی در یمن بیفتـــد باید در این ۸ ماه که انواعی از تهاجمات هوایی، دریایی و زمینی علیه یمن بکار گرفته شده اســـت، می‌افتاد. آمریکایی‌ها با نگاه به صحنه عملیاتی معتقدند وقتی عربستان نتوانسته از پیروزی‌های خود در جنوب برای تضعیف انصارالله استفاده کند و عملا مدیریت جنوب به دست القاعده و حراک جنوبی افتاده است، چه شانسی برای تغییر صحنه طی یک تا دو ماه آینده دارد. از نظر آمریکا وقت آن فرا رسیده است تا سرنوشت بحران عربستان به گفت‌وگوهای سیاسی سپرده شود و با استفاده از ساز و کارهای حقوقی و سیاسی، حرکت انصارالله مهار گردد. هیلاری کلینتون که به نوعی مواضع آمریکا را در بحران یمن بازگو کرده است، می‌گوید: «عربستان همه منابع خود را علیه حوثی‌ها در یمن و ایران به عنوان حامی حوثی‌ها متمرکز کرده است. حرف من به آنها این است که اگر ایران را رها کنیم، نفوذ آن در حوزه عربی گسترده‌تر می‌شود اما چگونه می‌توانیم ایران را تضعیف کنیم؟»

در واقع اختلاف‌نظر عربســـتان و غرب بر سر اصل موضوع مهار انصارالله نیست بلکه مهار انصارالله یک امر مشـــترک مفروض است. اختلاف آنان در این است که ۸ ماه جنگ برای اثبات اینکه می‌توان با بمباران به نتیجه رسید، کافی است یا نه؟ عربستان می‌گوید کافی نیست و آمریکا می‌گوید کافی است. آمریکایی‌ها معتقدند اگر انصارالله به مذاکره‌ای تن دهد که مبنای آن قطعنامه ۲۲۱۶ باشد می‌توان در یک دوره یک تا دو ساله آن را خلع سلاح کرد و زمین را از دست آنان گرفت. غرب این را شدنی و عربستان این را ناشدنی می‌داند. از منظر غرب، ادامه حیات انصارالله در یمن به حمایت ایران وابســـته است و مـــا می‌توانیم با اعتراف به نقش موثر ایران در پرونده یمن، آن را در مذاکراتی شـــریک کنیم که انتهای آن خلع‌سلاح و خلع‌الارض انصارالله باشد. از منظر آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها، ایران روند مذاکره پیرامون مسائل منطقه‌ای را پذیرفته و این اولین گام در حل پرونده یمن مطابق با الگوی غرب است و در این مسیر انصارالله ناچار است پای میز مذاکره بیاید و اندک اندک به خلع سلاح و تسلیم شهرها تن دهد در این صورت، انصار به شدت ضعیف شده و قادر به مزاحمت برای عربســـتان و دیگران نیست. در منظر رژیم سعودی، خطر انصارالله برای عربستان تا زمانی که خلع سلاح نشود ولو آنکه شهرها را تحویل دهد، برطرف نمی‌شود. از این رو یکی از مقامات انگلیسی حدود یک ماه پیش به یک مقام وزارت‌خارجه ایران گفته بود: «عربستان نگران موشک‌های انصارالله است و برای پایان دادن به جنگ یک تضمین قابل قبول می‌خواهد» اشاره این مقام انگلیسی به این نکته است که مهمترین نگرانی عربستان تسلط انصارالله بر پایتخت و یا چند مرکز استان نیست بلکه آنچه نگرانی اصلی سعودی را تشکیل می‌دهد، سلاح‌های انصارالله است.

اختلاف نظر کنونی آمریکا و عربستان که چندی است به عرصه‌های رسانه‌ها کشیده شده و به کنایه‌زنی مقامات غرب علیه عربستان انجامیده، نباید ما را به اشتباه اندازد و گمان کنیم که موضع ما و غرب در این جنگ یکی است و هر دو روی پایان دادن به تجاوز عربستان به یمن توافق داریم. واقعیت این است که همین حالا که غربی‌ها در اشپیگل می‌نویسند «عربستان جنگ را با دسته چک اداره می‌کند»، از جنگنده‌های سعودی در هوا پشتیبانی می‌کنند هنوز هم مثل روزها و هفته‌های اول جنگ هواپیماهای لجستیکی آمریکایی در آسمان صنعا به جنگنده‌های سعودی سوخت و بمب می‌رسانند. هنوز هم هواپیماهای عربستانی از ناوهای غول‌پیکر آمریکایی در خلیج عدن برای حمله پرواز علیه مردم یمن اســـتفاده می‌نمایند پس غرب علیرغم آنکه به نتیجه رسیدن این جنگ امید ندارد اما اندکی هم در حمایت از سعودی فروگذاری نمی‌کند. نکته دیگر این است که براساس نقشه غرب جنگ بی‌نتیجه هوایی باید متوقف شود ولی محاصره دریایی و هوایی - براســـاس قطعنامه ۲۲۱۶- باید استمرار یابد و از ســـوی دیگر جنگ علیه انصارالله در روی زمین و از طریق «مزدوران» باید استمرار داشته باشـــد. پس طرح غرب این نیست که جنگ متوقف شود و یا مردم مظلوم یمن مجالی برای تنفس پیدا نمایند. در واقع نتیجه این طرح این اســـت که متجاوز که از تجاوز نظامی و حمله مستقیم طرفی نبسته، از جنگ مســـتقیم رها می‌شود ولی حریف آن که مردم مظلوم یمن هستند کماکان در شرایط جنگی بسر خواهند برد. در این میان میز مذاکره بعنوان یک جزء مکمل محاصره و درگیری داخلی به ضرر انصارالله عمل می‌کند و حضور انصارالله در این مذاکرات یا حضور فرضی ایران در این مذاکرات تعهداتی را برای انصار و ایران در پی می‌آورد و به نوعی کامل کننده نقشه آمریکا خواهد بود.

آمریکایی‌ها معتقدند، بحران یمن با پایان حمله هوایی عربستان علیه این کشور به پایان نمی‌رسد و در چند وجه استمرار پیدا می‌کند یک وجه آن این است که القاعده که تا پیش از جنگ عربستان علیه یمن، بشدت ضعیف بود و بارها از انصارالله شکســـت خورده بود، هم‌اینک دو استان حساس عدن و حضرموت را در اختیار دارد و یک هماورد قوی برای انصارالله به حساب می‌آید. یک وجه دیگر، آن اســـت که «حراک جنوبی» که تا پیش از جنگ از یک سو قدرت مهمی به حساب نمی‌آمد و از سوی دیگر به انصارالله تا حد زیادی نزدیک بود، هم‌اینک به یک بازیگر فعال امنیتی تبدیل شده و با انصارالله هم در مقطع تصرف عدن درگیر شده و به یک محور مزاحم انصار تبدیل گردیده است. یک وجه دیگر قوت گرفتن نیروهای منصور هادی اســـت که پیش از جنگ وجود خارجی نداشتند. از نظر آمریکا بعد از پایان جنگ انصارالله ناگزیر به درگیری در سه جبهه داخلی است و بشدت ضعیف خواهد شد. وقتی تجاوز عربستان قطع شود و انصار در صحنه داخلی درگیر بحران باشد، ناگزیر به دنبال محمل‌های حقوقی خواهد رفت که مهمترین آنها، سازمان ملل و کشورهای عرب متحد آمریکا- مثلا عمان- خواهد بود. از نظر آمریکایی‌ها، توسل روز افزون انصارالله به نماینده دبیرکل سازمان ملل و ابتکار آن پس از جنگ و مراجعه به عمان و یا هر کشـــور دیگر عرب، آرام آرام به آنکاده و کانالیزه شدن انصارالله منجر شـــده و آن را از شکل و فرم یک «جنبش انقلابی» خارج می‌نماید. خروج از چنین هویتـــی (position) خواه‌ناخواه آن را از یک گروه معارض به یک گروه قانونی تبدیل می‌کند که از نظر آمریکایی‌ها، این مساوی است با پذیرش خلع سلاح و تبدیل شدن به یک گروه مدنی. از سوی دیگر آمریکایی‌ها معتقدند دمکراتیزه شدن انصارالله به پایگاه مردمی آن بشدت آسیب وارد کرده و به مرور آن را از تاثیر می‌اندازد.

اما واقعیت این اســـت که ورای اختلافات عربستان و آمریکا درباره نحوه مهار انصارالله، این جنبش انقلابی یک جنبش پخته و با تجربه است ضمن آنکه ایران بعنوان مهمترین متحد منطقه‌ای انصارالله بی‌تجربه نیســـت. شرکت در گفت‌وگویی سیاسی هم الزاما به معنای پذیرش دستور کار طرف مقابل نیست. انصارالله می‌گوید اولین نتایج گفت‌وگوها باید آتش‌بس و رفع محاصره باشد و دومین نتایج باید رسیدن به یک توافق یمنی یمنی برای شکل‌دهی به دولت و حل و فصل اختلافات باشد.

برخلاف تصور آمریکایی‌ها، انصارالله روی طرح ۷ ماده‌ای خود که در مسقط به ولدشیخ نماینده دبیرکل سازمان ملل داده، تاکید دارد و تنها بحث درباره قطعنامه ۲۲۱۶ را پذیرفته نه اینکه آن را به رســـمیت شناخته است. انصارالله معتقد اســـت بحث درباره سلاح انصارالله باید به زمانی سپرده شود که قانون اساسی یمن با اکثریت آراء مردم تصویب شده و بر اساس آن دولتی شکل گرفته باشد کما اینکه تحویل ادارات دولتی در صنعا و سایر مراکز استانها نیز مستلزم شکل‌گیری دولت قانونی است. بنابراین کاملا واضح است که انصار حاضر نیست در چارچـــوب یک طرح آمریکایی به مذاکره بپردازد. اما در عین حال واقعیت این اســـت که میز مذاکره بسیار لغزنده است بخصوص زمانی که یک طرف آن ســـازمان ملل و نماینده آن بر قطعنامه‌ای تاکید دارند که دربردارنده منافع و اغراض دشمنان انصارالله است.

سعدالله زارعی

گزارش خبری- تحلیلی کیهان

تقسیم اصولگرایان به معتدل و افراطی ترفند نخ‌نمای وطن‌فروشان فتنه‌گر

سرویس سیاسی -

رســـانه‌های زنجیـــره‌ای و فتنه‌گران مدعی اصلاحات در چند ماه گذشـــته نهایت تلاش خود را برای ایجاد تفرقه و شکاف در میان نیروهای انقلاب با واژه‌سازی‌هایی چون اصولگرایان معتدل و افراطی به کار بسته‌اند، این سیاست قدیمی برای فرار از شکست در جبهه‌ای متفرق باز طراحی شده است که به نظر می‌رسد با مشخص بودن جوانب آن دیگر جواب نمی‌دهد!

با نزدیک شدن به انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی تحرکات جریان‌های سیاسی برای پیروزی تشدید می‌شـــود. در این میان اصلاح طلبان و طیفی از حامیان دولت که به تشتت در جریان خود علم دارند سیاست فرار به جلـــو را در پیش گرفته و قصد دارند با ایجاد تفرقه در میان جبهه اصولگرایان پیروزی خود را تضمین کنند و در این راســـتا اصولگرایان از سوی جریان‌های فوق به دو طیـــف اصولگرایان معتدل و اصولگرایـــان تنـــدرو تقســـیم بندی می‌شوند!

از تعریف نشدن اصلاحات تا تقسیم اصولگرایی!

تقســـیم اصولگرایان بـــه دو طیف معتـــدل و افراطـــی از همان دســـت واژه‌سازی‌هایی است که از سال‌ها پیش رواج داشـــته اســـت، در طول دهه ۷۰ حامیان دولت وقت خود را اصلاح طلب و مخالفان را محافظه کار می‌نامیدند بی‌آن کـــه نه اصلاح طلب و اصلاحات تعریف مشخصی داشته باشد تا هر کسی خود را اصلاح طلب نداند و نخواند و نه محافظه کار دارای تعریف واضحی بود تا کسی به این سوال پاسخ دهد که چرا معترضین به وضعی که اصلاح طلبان ساخته بودند محافظه کار خوانده می‌شدند.

اعتدال نیز همین حکـــم را دارد، در طول بیش از دو ســـالی که از روی کار آمدن دولت یازدهم با شعار اعتدال می‌گذرد هنـــوز تعریف واضحی از این شعار ارائه نشده اســـت و در سایه این عدم تعریف از ســـوی دولت بسیاری از جریان‌هایی کـــه آوازه افراط گری‌های آنان به آن ســـوی مرزها نیز رســـیده است از جمله فتنه گران ۸۸ نیز خود را معتدل می‌خوانند.

در هفته‌های گذشته و در سایه این مبهم‌گویی‌ها اصلاح طلبان و نیز برخی حامیان دولت بـــه فکر ایجاد تفرقه در میان اصولگرایان افتاده‌اند.

ائتلاف نانوشته

روزنامه زنجیره‌ای اعتماد در شماره ۲۶ آبان در مصاحبه‌ای با کاظم جلالی رئیس فراکسیون رهروان مجلس به این موضوع پرداخته و نوشت: ««اصولگرایان معتدل»؛ رقیبی جدی برای اصولگرایان تندرو در مجلس نهم و شـــاید موتلفی بـــرای اصلاح‌طلبان میانه‌رو در مجلس دهم. هر چند این ائتلاف یک همراهی نانوشته باشد؛ آنچنان که کاظم جلالی در گفت‌وگو بـــا «اعتماد» توضیح داده است.»

گفتنی است ائتلاف اصلاح‌طلبان با اصولگرایان به اصطلاح معتدل را ابتدا محمدرضا عـــارف مطرح کرده و گفته بود که چنین ائتلافی می‌تواند نزدیک به واقعیت باشد.

راهکار اصلاح طلبان برای ورود به مجلس دهم

اعتماد در گزارشـــی دیگـــر و در مصاحبه با شیرزاد نماینده اصلاح طلب مجلس ششم دوگانه اصولگرایان معتدل و تندرو را دوباره مطرح می‌کند.

این روزنامه می‌نویســـد: «ائتلاف با چهره‌های معتـــدل اصولگرا یکی از گزینه‌های امـــروز اصلاح‌طلبان برای انتخابات مجلس دهم است. اصلاح‌طلبان برای رســـیدن به کرســـی‌های مجلس می‌توانند ائتلاف با چهره‌های معتدلی را امتحان کنند که شاید تا پیش از این در اردوگاه اصولگرایی شناخته می‌شدند اما امروز در نشســـت‌های اصلاح‌طلبان شرکت می‌کنند و برای همایش‌هایشان پیام می‌فرستند. احمد شیرزاد در مورد امکان ائتلاف اصلاح‌طلبان با اصولگرایان معتـــدل می‌گوید: اگر فضـــا به همین شکل پیش برود احتمال بداخلاقی‌های سیاســـی گروه‌های تنـــدرو در جناح اصولگرا بیشـــتر خواهد بـــود و همین امر می‌تواند چهره‌های معتدل اصولگرا را بیش از گذشـــته به سمت ائتلاف با اصلاح‌طلبان متمایل کند.»

طرح اصلاح طلبان برای نفوذی‌ها

فیض‌الله عرب‌ســـرخی از اصحاب فتنه ۸۸ که در رســـانه‌های زنجیره‌ای به عنوان فعال اصلاح طلب شـــناخته می‌شـــود نیز در مصاحبه با ایلنا از این عبارت استفاده می‌کند.

وی می‌گویـــد: عـــملا در فضـــای سیاسی کشور یک تعامل و گفت‌وگوی غیررسمی میان نیروهای معتدل اعم از نیروهای جریان اصلاح‌طلب و نیروهای اصولگرا وجـــود دارد و هم‌اینک نیز در جریان است.

عرب ســـرخی با این وجـــود ارائه لیست مشترک را مفید به فایده نمی‌داند و می‌گویـــد؛ این نیروها در جریان خود بایـــد اثر گذار باشـــند یعنی نقش یک نفوذی را ایفا کنند!

وی می‌گویـــد: « معتقـــدم حضور نیروهـــای معتدل در هـــر دو جریان، نفس حضورشان بیشتر کارساز است تا برقراری یک پیوند در قالب ائتلاف. به عبارتـــی، فکر می‌کنم نیروهای معتدل بایـــد در جریان سیاســـی خودشـــان نقش‌آفرین باشند.»

تلاش برای جلوگیری از ریزش آرای اصلاح طلبان

احمد خرم وزیـــر دولت اصلاحات نیز در مصاحبه با اعتماد این سیاســـت را پیشـــه می‌کند و می‌گویـــد: ائتلاف اصلاح‌طلبان بـــا اصولگرایان معتدل نه در قالبی رسمی بلکه به شکل هماهنگی برای جلوگیری از ریزش آرا به سبد رای افراطیون می‌تواند شکل بگیرد.

محسن رهامی نیز از اصلاح طلبان فعال در فتنه ۸۸ نیز همزمان با استفاده از عبارت اصولگرایان معتدل اصولگرایان را به دو دسته دیگر تقسیم بندی می‌کند ؛ اصولگرایـــان واقعـــی و اصولگرایـــان غیرواقعی !

دو گانه دیگر اصولگرایان واقعی و غیرواقعی !

رهامی با اشـــاره به جلســـاتی که این جریان با برخـــی گروه‌های مدعی اصولگرایی می‌گیرد می‌گوید: آنچه در این جلسات تاکنون بیشتر مورد توجه بوده فاصله گرفتـــن اصولگرایان اصلی مانند هاشـــمی، ناطق و آقای لاریجانی است، نسبت به اصلاح‌طلبان که از سال ۷۵ بـــه بعد اتفاق افتاده اســـت، فاصله گرفتنی که باعث رشد نیروهای افراطی شـــده که در انقلاب نقشـــی نداشتند. این جلســـات با اصولگرایان تهران و قم بیشتر در جهت ایجاد وحدت نیروهای اصولگرای معتدل و اصلاح‌طلبان انجام می‌شود.

این که رهامـــی فعال فتنه چگونه و چرا دلســـوز اصولگرایان شده است و در تلاش اســـت اصولگرایان واقعی را از غیرواقعی تشخیص دهد جای سوال و تعجب است و انسان را یاد توصیه‌های دینی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا به امام خمینی می‌اندازد ! پاســـخی که امام بـــه کارتر داده بودنـــد را می‌توان امروز نیز به اصلاح طلبانی مانند رهامی گوشزد کرد؛ «اسلام شناسی تقریباً رو به تورم اســـت. خب، صدام هم اسلام شـــناس شده اســـت! آقای سادات هم جزء اسلام شناس‌هاست که تشخیص می‌دهد که فلان امر موافق اسلام است، موافق اســـلام نیست! اخیراً آقای کارتر هم جزء اسلام شناس‌هاست!... شما که اسلام را نمی‌دانید با «صاد» می‌نویسند یا با «سین» می‌نویسند، شما به اسلام چه کار دارید؟ ... می‌گوید من اســـلام شناسم. و اشـــخاصی که مثلاً، هشتاد سال زندگی کردند، هفتاد سال زندگی کردند، همه‌اش هم در اسلام بودند، نه، اینها نمی‌دانند، لکن آقای کارتر می‌داند و رفقای ایشـــان.» «صحیفه امام، جلد ۱۵، صفحه ۱۸۸ و ۱۸۹»

این مســـئله در باره اصلاح طلبان دخیل در فتنه ۸۸ نیز موضوعیت دارد، آنانی که نمی‌دانند اصولگرایی را با سین می‌نویسند یا با صاد را با تفسیر و تبیین اصولگرایی چه کار ؟ اصلاح طلبان اگر به گفته عوام بیل زن هستند باغچه خود را بیـــل بزنند و تعریفی از اصلاح طلبی ارائه کنند که هر پناهنده به دشمنی در آن جای نگیرد.

از ســـوی دیگر اگر از هاشمی که اصولگرا دانســـتن وی از ســـوی برخی اصلاح طلبان خنده‌دار می‌نماید بگذریم تلاش این جریان‌های امتحان پس داده برای جداســـازی برخی اصولگرایان از جریان انقلاب می‌تواند درس آموز باشد، درس آموز برای آنان که ســـوابق فتنه گران را در وطن فروشی می‌دانند و در یک جبهه قرار گرفتن با چنین افرادی برای آنان باید ننگ و عار به حساب آید.

این سیاست دیگر جواب نمی‌دهد

در یک کلام می‌توان گفت؛ سیاست تقسیم اصولگرایان به دو گانه‌هایی مانند واقعی و غیرواقعی و نیز معتدل و تندرو سیاســـتی قدیمی اســـت برای فرار از شکست در جبهه‌ای متفرق .

این جبهه از فتنه گران ۸۸، اصلاح طلبان محافظه کار و برخی مدعیان تازه وارد اعتدال تشـــکیل شده است که هر یک ســـهمی را برای خـــود در مجلس آینده در نظر گرفته‌اند فارغ از اینکه آیا قانون این اجازه را به فعالان فتنه برای حضور در انتخاباتی درون نظام اسلامی و در چارچوب قانون اساسی نمی‌دهد. اصلاح طلبان باید بدانند که دوره خط کشـــی‌ها برای ایجـــاد تفرقه در جبهه انقلاب برای رســـیدن آنان به مناصب حساس گذشـــته و این سیاست کهنه شده و دیگر جواب نمی‌دهد.

گفت و شنود

کفتر آمریکایی!

گفت: یکی از شبه روشنفکرها که هر وقت اسم آمریکا را می‌برد، یک آمریکا می‌گوید و از شـــدت خوشـــحالی هزار تا آمریکا از لب و لوچه‌اش آویزان می‌شود...

گفتم: بقیه‌اش را نگو که فهمیدم منظورت کیست! حالا بگو که می‌خواستی چی بگی؟!

گفت: این آقا نوشته علت ناکامی دولت‌های اروپائی و آمریکا در کشف شبکه‌های تروریستی این است که قوانین دموکراتیک در آن کشورها به آسانی اجازه بازرسی از افراد و مکان‌های مشکوک را نمی‌دهد!

گفتم: ولی مقامات آمریکایی و اروپایی خودشان تأکید می‌کنند که سخت‌ترین و بی‌ملاحظه‌ترین نوع بازرسی و جاسوسی از افراد را به کار می‌برند و به قول رئیس سازمان «سیا» آمریکا در بازرسی از شهروندانش هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد.

گفت: آمریکا برای این شبه روشنفکر وطنی نقش «لیلی» را دارد که مجنون هیچوقت هیچ عیبی در او نمی‌دید. مثلاً اگر از او بپرسی چرا در آمریکا و اروپا ماشین‌های بی‌سقف فراوان است، جواب می‌دهد؛ برای این که کفترهای آمریکا با شعورند و روی سقف ماشین‌ها فضله نمی‌اندازند!

گفتم: از شـــخصی که بدجوری کشـــته و مرده آمریکا بود پرسیدند؛ آمریکا چند حرفه؟! یارو با عصبانیت گفت: زبونتو گاز بگیر! آمریکا قربونش برم اصلاً حرف نداره!

کمالوندی خبر داد

نشست ایران و آژانس برای جمع‌بندی گزارش PMD

سخنگوی سازمان انرژی اتمی از برگزاری نشســـت جمع‌بندی پرونده PMD با حضـــور ایران و آژانـــس بین‌المللی انرژی اتمی در روز سه‌شنبه خبر داد.

«بهـــروز کمالوندی» ســـخنگوی ســـازمان انـــرژی اتمـــی از برگـــزاری نشست مشـــترک مســـئولان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌منظور جمع‌بندی گزارش مربوط به مســـائل گذشته کشـــورمان (پی‌ام‌دی) در روز سه‌شنبه این هفته در وین خبر داد.

کمالوندی گفـــت: در هفته آینده، آژانس گزارش خود را ارائه می‌دهد و از ده روز تا دو هفته اعضای شورای حکام وقت دارند تا در جلسه ۱۵ دسامبر (۲۴ آذر) جمع‌بندی خود را ارائه کنند.

وی در ادامه گفت: پس از آن نقطه آغاز و صفر برخی کارهای ما خواهد بود به‌ویژه در باره راکتور آب سنگین اراک و تبادل مواد غنی شده.

به گـــزارش فـــارس، ســـخنگوی ســـازمان انرژی اتمی تصریح کرد: البته ما جمع‌آوری سانتریفیوژهای غیرفعالمان را برای کوتاه کـــردن زمان آغاز کردیم اما کارهـــای اصلی را به پس از ۲۴ آذر موکول کرده‌ایم که امیدواریم با داشتن ســـند رســـمی خوب و قوی بازطراحی راکتور اراک، تا آن زمان بتوانیم مقدمات قرارداد تجاری با چین در این زمینه را نیز امضا کنیم.

عراقچی: از جزئیات هیئت نظارت بر برجام بی‌خبرم

«عبـــاس عراقچی» رئیس ســـتاد پیگیری اجرای برجام درخصوص تشکیل هیئت نظارت بر اجرای برجام و در پاسخ به این سوال که چرا نمایندگان مجلس از اعضای هیئت نظارت بر اجرای برجام بی‌خبر هستند؟ گفت: اطلاع‌رسانی این موضوع بر عهده دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی است.

به گزارش راه دانا، وی همچنین در پاسخ به ســـوال دیگری مبنی بر اینکه «دبیرخانه شورای عالی امنیت چه زمانی این موضوع را شفاف‌سازی خواهد کرد؟» گفت: من از زمان و نحوه اطلاع‌رســـانی این موضوع بی‌خبر هســـتم و همه چیز در این خصوص برعهده دبیرخانه شورای عالی امنیت است.

خبر ویژه

به جای اهانت به بسیج نام خود را تغییر دهید

یـــک روزنامه حامی هاشـــمی رفســـنجانی و دولت در هفته بســـیج مدعی شست‌وشوی بسیجیان شد!

روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله خود که به بهانه هفته گرامیداشت بسیج نوشته شده و به شکل زنجیره‌ای در سایت‌های ایسنا، جماران، انتخاب، فرارو، آفتاب، عصر ایران و حتی رادیو فردای آمریکا بازتاب یافته ادعا کرد: جناح‌های سیاســـی با ژست‌های حق به جانب تلاش می‌کنند نیروهای بسیج را به خود وابسته کنند، آنها را دچار شست‌وشوی مغزی نمایند و از این طریق، اهداف سیاسی خود را با استفاده ابزاری از آنها محقق سازند. کسانی که درصدد چنین سوءاستفاده‌هایی از بسیج برمی‌آیند البته ماسک حق به جانب بر چهره می‌زنند، خود را دلسوز اسلام و انقلاب جلوه می‌دهند و از شگردهایی استفاده می‌کنند که بتوان با آنها در افکار افراد پاک نفوذ کرد. نیروهای بسیجی عموما متدین، متعهد، فداکار و دلسوز اسلام و انقلاب و نظام هستند و برای پذیرش آنچه رنگ دین و خدمت و فداکاری دارد آمادگی دارند. در نتیجه اگر جناح‌های سیاســـی با این قبیل شگردها وارد عرصه شوند، به راحتی می‌توانند اهداف خود را دنبال کنند و به آنچه می‌خواهند دست یابند به ویژه اگر امکانات مادی نیز در اختیارشان باشد. کارایی بسیج تا وقتی است که در برابر ترفندهای جناح‌های سیاســـی هوشیاری نشان دهد و اجازه استفاده ابزاری از خود را به هیچ‌کس و هیچ گروه و جناح سیاسی ندهد.

درباره این سرمقاله توهین‌آمیز باید پرسید آیا آشوبگری نیابتی فتنه‌گران در سال‌های ۷۸ و ۸۸، جناحی بود یا اقدامی براندازانه و در قبال این قبیل تحرکات وظیفه بسیج چیست؟ آیا متهم کردن نظام به تقلب و بسترسازی برای آشوب‌افکنی سرویس‌های جاسوسی بیگانه یک اقدام جناحی است که باید در مقابل آن سکوت اختیار می‌شـــد؟ روزنامه‌ای که عنوان «جمهوری اسلامی» را یدک می‌کشد آیا می‌تواند بگوید شـــعار عوامل میدانی فتنه‌گـــران و مدعیان اصلاح‌طلبی مبنی بر «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است»، «مرگ بر اصل ولایت فقیه» و خط کشیدن روی قید اسلام در عبارت «جمهوری اسلامی» حرکتی جناحی است یا براندازانه؟ اگر خط کشیدن روی عبارت جمهوری اسلامی معفو و پذیرفته است که در آن صورت روزنامه مورد اشاره باید خود را تعطیل کند.

همچنین می‌توان پرســـید اگر یک رجل سیاسی مسخ شده با تحریف اصول شاخص خط امام(ره) و دروغ بستن به ایشان مدعی شد امام موافق حذف مرگ بر آمریکا بودند، یا همین طیف با دشمنان نشاندار خط امام- جریان اصلی اسلام التقاطی و آمریکایی- پیوند خوردند و جبهه مشـــترک تشـــکیل دادند، آیا بسیج می‌تواند ماجرا را جناحی قلمداد کند و بی‌تفاوت بماند؟ در وضعیتی که حامیان نهضت آزادی و باند منتظری (امثال هراتی) از دفتر آقای هاشمی سر در می‌آورند، مسئولیت امثال روزنامه جمهوری اسلامی چیست و چرا سکوت می‌کنند؟ آیا این مصداق بارز شست‌وشوی مغزی نیست؟! یا مثلا اگر گفتند «خمینی به موزه تاریخ خواهد رفت، توپ تانک بسیجی دیگر اثر ندارد، دوره ختم انقلاب فرا رسیده است» و... بعد در کنار امثال آقای هاشمی و مدعیان اعتدال ایستادند و با هیچ اعتراضی مواجه نشدند، در آن صورت باید به تکلیف اسلامی و انقلابی عمل کرد یا منفعل ماند و به خیانت نفاق جدید رضایت داد؟!

طنز تلخ قطعنامه ضدایرانی در دوره آشتی‌کنان پسابرجام

صدور ۲ قطعنامه علیه ایران از ســـوی متحدان آمریکا ثابت می‌کند برخلاف ادعای جریان خوش‌بین به غرب، خبری از روابط جدید آمریکا و غرب با ایران نیست.

رجانیوز با اشاره به صدور دو قطعنامه سازمان ملل علیه ایران با ادعای نقض حقوق بشر نوشت: رأی‌گیری درباره قطعنامه ضدایرانی در زمانی صورت گرفت که مقامات دولتی و در راس آنها رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه مدعی آن بوده کـــه با توافق اتمـــی اخیر، افق جدیدی از همکاری بین ایران و جامعه بین‌المللی درباره دیگر موضوعات گشوده است.

در همین راستا محمدجواد ظریف در مردادماه امسال در نشست ویژه توافق هســـته‌ای در این زمینه گفت: «نکته‌ای که باید به آن اشـــاره کرد این است که از روز پایان مذاکرات برخورد دنیا با ایران براســـاس متن برجام و قطعنامه تغییر کرده است.»

در ادامه سیدعباس عراقچی معاون وزارت امور خارجه نیز در همایش مدیران وزارت نفت خطاب به مدیران این وزارت‌خانه گفت: «برجام فضای جدیدی برای کشورمان ایجاد کرده که ناشی از خود برجام است و ظرفیت‌هایی که ایجاد می‌شود بیشتر ناشی از فضای روانی و مثبت ناشی از مذاکرات و چهره جدیدی است که از جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده است.»

رئیس‌جمهور نیز در سخنرانی اخیر خود در سازمان ملل در این رابطه اظهار داشت: «خوشحالم که از این جایگاه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد خطاب به جهان بگویم که امروز، فصل جدیدی در روابط ایران با جهان آغاز شده است. توافق هسته‌ای توانسته سایه تخاصم و حتی جنگی دیگر و تنشی دامنه‌دار را از سر خاورمیانه دور کند، می‌تواند و باید، سرآغاز دوره‌ای جدید و موجب نتایجی مثبت برای صلح و ثباتی پایدار در منطقه نیز باشد. از نظر ما توافق حاصله، هدف نهایی نیست، بلکه تحولی است که می‌تواند و باید، مبنای دستاوردهای بیشتری باشد.»

اما مرور فهرست کشورهایی که به قطعنامه اخیر علیه ایران رای مثبت داده‌اند نشان می‌دهد اکثر آنها از حامیان آمریکا محسوب می‌شوند. بنابراین باید به این نکته اذعان داشـــت که طرح ادعاهایی چون «تغییر برخورد دنیا با ایران پس از توافق»، «ایجاد چهره جدید از ایران» و «فصل جدید روابط ایران با جهان» بیشتر از آنکه به واقعیت نزدیک باشد ناشی از خوش‌بینی مفرط به مذاکرات و طرف مقابل می‌شود. در همین راستا علاوه بر آمریکا تقریبا تمامی کشورهای اروپایی مانند آلمان، فرانسه، انگلستان، ایتالیا، اسپانیا به همراه کانادا، استرالیا و ... به این قطعنامه ضدایرانی رای مثبت داده‌اند.

رجانیـــوز با یـــادآوری این نکته که چندین بار در برجام از رابطه جدید غرب با ایران ســـخن گفته شده می‌نویســـد: به نظر می‌رسد که نه تنها خبری از «برقراری یک رابطه جدید با ایران» با ایران نیست بلکه طرف مقابل همانند گذشته همچنان مشغول انجام اقدامات خصمانه خود می‌باشد. لذا بهتر است که مسئولان ایرانی به جای ذوق‌زدگی و اســـتفاده از تعابیری که فاصله بســـیاری با واقعیت دارد بیش از این به طرف مقابل اعتماد نکرده و خوش‌بین نباشـــند زیرا که «وقتی خرش از پل گذشت، برمی‌گردد و به ریش شما می‌خندد».

شاید بی‌جهت نبود که محمدجواد ظریف در واکنش به این قطعنامه و قطعنامه دیگری که عربســـتان‌بانی آن بود آن را طنز تاریخی نامیده و گفت: دو قطعنامه‌ای که دیروز تصویب شـــدند، جزو طنزهای تاریخ بودند. چه طنزی از این بزرگتر که با وجود همه امتیازات اعطایی مســـئولان دولت یازدهم منتظر تغییر نگرش غرب نشسته بودند، با دو قطعنامه ضدایرانی روبرو شدند؟!

داس بی‌صدای اعتدال مشغول درو کردن مدیران است!

وزیر کشور ظاهرا لباس اصولگرایی از تن به درآورده و جامه اعتدال پوشیده که در سکوت و خفا سیاست برکناری استانداران را پیش می‌برد.

روزنامه زنجیره‌ای آفتاب یزد با انتشـــار این مطلب نوشـــت: روحانی نشان داده که مرد عمل اســـت. او تصمیم‌هایش را در اتاق‌های فکر، همراه با تکنوکرات‌ها و ژنرال‌های امیدوار به آینده‌اش اتخاذ می‌کند و ماحصل آنها را به کرسی اجرا می‌گذارد.

او در «ســـکوت و خفا»، گام‌های اســـتوار در جهت جامه عمل پوشـــاندن به وعده‌هایش برمی‌دارد درســـت برخلاف رئیس دولت نهم و دهم که سیاســـت‌های ناکارآمدش را در بوق و کرنا می‌کرد و جار و جنجال‌های سیاسی به راه می‌انداخت.

این روزنامه - که ســـردبیرش پس از فتنه ۸۸ از کشـــور گریخت و در آ